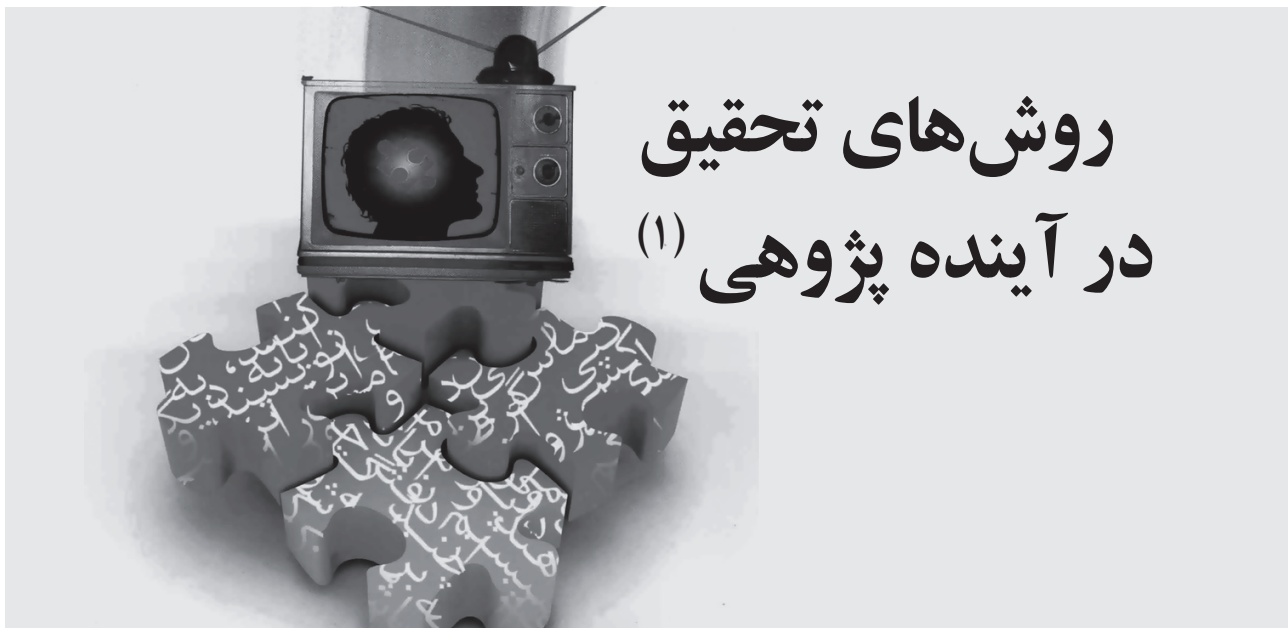




آرمین امیر



# روش‌های تحقیق در آینده پژوهی<sup>(۱)</sup>

کارهای آلوین تافلر در دهه ۱۹۷۰ و بخصوص کتاب موج سوم نگاه جهان را به آینده معطوف کرد. تافلر در آن کتاب تغییراتی را توضیح داد که بشر آنها را پیش بینی نکرده بود و تغییراتی را پیش بینی کرد که کسی انتظارش را نداشت. اگر چه پیش بینی های تافلر عمدتاً به وقوع نپیوستند، اما سعی او و دیگران برای توصیف جامعه جدید بر اساس اصل «تنها چیز ثابت در جهان همانا خود تغییر است» باعث شکل گیری تلاش های ژورنالیستی و نهایتاً علمی برای شناخت تغییر و مسیر آن شد. شاید مهم ترین این تلاش ها در حوزه آینده پژوهی انجام شده و ثمر داده باشد؛ حوزه ای که مطالعه منظم آینده را هدف خود اعلام کرده است. برای شناختن مسیر حرکت در آینده پژوهی باید شناخت دقیقی از روش های تحقیق و مبانی فکری و مفروضات پنهان روش ها در این رشته داشت، زیرا تکرار صوری روش ها نتیجه ای جز سردرگمی و احساس رضایت کاذب در بر ندارد. باعث خرسندی است که در سال های اخیر، آینده پژوهی در ایران با استقبال و حمایت هم محققان و هم دولت همراه شده، اما عمده سرمایه گذاری های مالی و زمانی در جهت رسیدن به اهداف فنی بوده است. این مسئله موجب غفلت از پرداختن به بنیان های فکری شده که نتیجه آن تحقیقاتی است که بدون تنظیم جهت گیری کلان، کاریست صرف روش ها را مساوی رسیدن به نتیجه مطلوب پنداشته اند. مرکز تحقیقات صداوسیما برای پر کردن این شکاف، در سال ۱۳۸۸ پژوهشی با نام «روش های تحقیق در آینده پژوهی» انجام داد که خلاصه ای از آن در چند بخش در ماهنامه پیام پژوهش چاپ خواهد شد.

آینده پژوهی حوزه ای است مرتبط با مطالعه نظام مند آینده. طبعاً این حوزه نوپا با تردیدهای بسیاری در خارج و داخل خود مواجه است. تردیدهای خارجی بعضاً تا مرز بیهوده دانستن و خطاب کردن آن به عنوان آخرین تلاش بی حاصل اثبات گرایی<sup>۲</sup> پیش رفته اند. تردیدهای درون حوزه بیشتر ناظر به علمی یا غیرعلمی بودن آینده پژوهی و کارایی داشتن یا نداشتن انبوه روش ها و فن های مورد استفاده در آن است. با وجود تمام تردیدها و توافق نداشتن ها، امیدوار کننده است که متخصصان آینده بر سر تعریفی از آینده پژوهی توافق نسبی دارند. طبق این تعریف، آینده پژوهی عبارت است از مطالعه آینده های ممکن<sup>۳</sup>، محتمل<sup>۴</sup>، مرجح<sup>۵</sup> و مبانی

بنیانی آنها. همین تعریف نشان می دهد که آینده پژوهی برای موفق شدن در طرح مورد نظر خود بسیار وابسته به علوم دیگر است. در واقع، آینده پژوهی حوزه ای میان رشته ای محسوب می شود که با طیف وسیعی از رشته ها؛ چون مدیریت، مهندسی، زیست شناسی، بیوتکنولوژی، جامعه شناسی، اقتصاد، تاریخ و علوم سیاسی در ارتباط است.

پیش از ورود به بحث روش های آینده پژوهی، قدری بر ضرورت و استفاده مطالعه آینده درنگ می کنیم. امروزه، در سال های نخستین قرن بیست و یکم، ایده پیش بینی آینده با تردیدهای جدی مواجه شده است. اتفاقات پایان قرن بیستم؛ نظیر فروریختن دیوار برلین و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به سادگی قابل پیش بینی نبود. اتفاقات دور از ذهنی نظیر این ها باعث شد تا بسیاری از حکومت ها و شرکت های بزرگ از ایده مطالعه آینده های دور به کلی دست بردارند. باید بپذیریم که رویارویی با مفهوم آینده تغییر کرده است و مردم خود را بیشتر در جهانی زاینده تصادف می دانند تا جهانی معین و قابل پیش بینی. بشر با وجود تمام پیشرفت های علمی که داشته است، هنوز با قطعیت نمی تواند حتی هوای چند روز بعد را پیش بینی کند. چنین پیش بینی هایی در مسائلی که شامل مداخله عامل انسانی هستند حتی مشکل تر هم می شود. تحت چنین شرایطی و با علم بر اینکه می دانیم پیش بینی آینده امکان پذیر نیست، پس تلاش برای مطالعه آن چه حاصلی دارد؟

پاسخ این است: با وجود افزایش دایمی پیچیدگی جوامع، باز هم انسان ها به صورت فردی و جمعی محکوم به کنش هستند و کنش های آنها بر اساس تصویری که از آینده در ذهن دارند، انجام می شود. درست است که ما گذشته و محیطها را محدود می کنیم، اما با وجود این محدودیت ها هم، باز انتظارات ما از آینده، ما را به سمت کنش سوق می دهد و شکل کنش امروزمان را تعیین می کند. البته که بیشتر نیت های ما معطوف به آینده خیلی نزدیک یا نزدیک است، اما ملاحظاتی نیز درباره آینده های دورتر داریم؛ ملاحظاتی چون تربیت کودکان و نوه ها، بررسی مسائل مربوط به منابع مالی و طبیعی فرد یا نسل یا کشور. پس باید به خاطر داشته باشیم که آینده پژوهی، راه مطالعه آینده های ممکن برای یک اجتماع انسانی است. هدف چنین مطالعاتی پیش بینی آینده نیست، بلکه کمک برای ساخت آینده ای است که آرزوهای آن اجتماع را محقق کند، و کمک به اتخاذ تصمیم های بهتری است برای هر چه بیشتر کردن شانس رسیدن به یک آینده مطلوب.

### تاریخچه مختصر آینده پژوهی

اندیشیدن به آینده، از انتهای قرن نوزدهم تا نیمه دوم قرن بیستم از حالت آرمانگرایانه به صورت تلاش برای پیش بینی علمی تغییر وضعیت داد. آینده پژوهی، در قرن بیستم تحت فشار جنگ های واقعی و محتمل، نیاز به راهبردهای نظامی ۶ و تجاری، و درک بهتر از مسائل جهانی ۷ به سرعت رشد کرد. آینده پژوهی در امریکای شمالی بیشتر از علاقه به برنامه ریزی راهبردی ۸ و در اروپا از جهت گیری های فرهنگی تر نشأت گرفت، اما امروزه در هر دو ناحیه، آینده پژوهی نقش های جدیدی را، چون شبکه سازی و تشویق مشارکت عمومی در تصمیم سازی اجتماعی ایفا می کند.

دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ عصر طلایی آینده پژوهی بودند. تا پایان دهه ۱۹۷۰، آینده پژوهی رسمی و سازمانی شکل گرفت و سازمان هایی تأسیس شد که هنوز هم وجود دارند (مثل WFS ۹ و WFSF ۱۰). جنبش های اجتماعی جدید، بخصوص جنبش های محیط زیستی، این حوزه را که پیشتر در قبضه گروه های متفکر امریکایی ۱۱ در خدمت ارتش و اهداف صنعتی بود، گسترش دادند. در این دوره اگر چه هنوز تمرکز اصلی مهم ترین آینده شناسان (دانیل بل، آلون تافلر، جان نیسبت) بر روندها ۱۲ معطوف بود، ولی کم کم حرکت به سمت انتخاب بین آینده های بدیل ۱۳، مسائل جهانی، فرایندهای تغییر، آینده های مطلوب ۱۴ و مسائل فرهنگی آغاز شد. در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بسیاری از آینده شناسان ۱۵ علاقه کمتری به جهانی فکر کردن و علاقه بیشتری به توسعه نهادی این رشته نشان دادند و محدودیت های فرهنگ مادی و عقلانیت روشنگری، به شکل گرفتن بحث هایی درباره آینده ارزش ها و مؤلفه های جامعه پسا صنعتی انجامید.

در ده سال اخیر، آینده پژوهی رویکردی انتقادی تر در پیش گرفته است که تمرکز کمتری بر شکل احتمالی آینده و حتی محدوده آینده های بدیل دارد و در عوض به کاستی های نگاه های آینده نگر موجود می پردازد. اگر چه هنوز هم عمده فعالیت های آینده پژوهی دغدغه های عملی دارند (مشاوره و نوشته های عامه پسند)، اما در مراکز آموزشی و بخصوص در حوزه علوم اجتماعی تقاضا برای آینده پژوهی متعادل تر رو به افزایش است. این تقاضا از سوی آینده شناسانی بیان می شود که وابستگی کمتری به منافع علمی و تجاری این حوزه دارند و بیشتر با دغدغه های چند فرهنگی، مثل تأثیر آینده ای خاص بر گروه های اجتماعی همدمی می کنند.

امروزه هنوز هم آینده پژوهی تحت سیطره پیش بینی و سناریونویسی ۱۶ است، بخصوص در شرکت های

اندیشیدن به  
آینده، از انتهای  
قرن نوزدهم تا  
نیمه دوم قرن  
بیستم از حالت  
آرمانگرایانه به  
صورت تلاش برای  
پیش بینی علمی  
تغییر وضعیت داد.  
آینده پژوهی، در  
قرن بیستم تحت  
فشار جنگ های  
واقعی و محتمل،  
نیاز به راهبردهای  
نظامی ۶ و تجاری،  
و درک بهتر از  
مسائل جهانی ۷ به  
سرعت رشد کرد

تجاری. حکومت ها، بخصوص در حوزه سیاستگذاری و مطالعه و وضع اهداف ملی آینده با آینده پژوهی درگیر هستند. همزمان، انتقال آرام، اما مهمی از آینده پژوهی، به عنوان ابزار تجاری به آینده پژوهی در جهت مدیریت راهبردی آینده و به عنوان چارچوبی برای رهایی اجتماعی در حال انجام است. این رویکرد بین آینده شناسان انتقادی، فمینیست و غیر غربی مشترک است. گروه آخر در پی زدودن استعمار غرب از تصویرهای آینده و ایجاد آینده های بدیل و کاملاً متفاوت با انواع غربی هستند (میلوویچ، ۲۰۰۲).

آینده شناس استرالیایی، ریچارد اسلفتر، تحول آینده پژوهی را شامل گذر از چهار فاز متمایز می داند. اولین فاز، سنت تجربی است که در امریکا غالب بود. دومین فاز، رویکرد فرهنگ محور است که در اروپا مسلط بود و به ایجاد آینده پژوهی انتقادی انجامید. آینده پژوهی انتقادی در فاز سوم و با رویکردی بین المللی و چند فرهنگی به وجود آمد که به نظر اسلفتر هنوز هم ادامه دارد. اسلفتر فاز چهارم را ظهور آینده پژوهی یکپارچه پسامتعارف می داند (آنتونی، ۲۰۰۹: ۳).

### ستون های آینده پژوهی

سهیل عنایت الله، آینده شناس پاکستانی الاصل و استاد مؤسسه تحصیلات عالی آینده پژوهی در دانشگاه تامکنگ تایوان و استاد دانشکده هنر و علوم اجتماعی دانشگاه سانشاین کاست استرالیا، در مقاله ای (عنایت الله، ۲۰۰۸) شش مفهوم اساسی، شش پرسش مهم و شش ستون اصلی آینده پژوهی را مشخص می کند. شش مفهوم اساسی آینده پژوهی از نظر او عبارتند از:

۱. آینده دست دوم ۱۷: تصویر ما از آینده معمولاً تصویر اصیلی نیست، بلکه از جایی دیگر وام گرفته شده است. در این مورد می توان شهرهای آسیایی را مثال زد که الگوهای رشد و زوال شهرهای غربی را دنبال می کنند، البته با فاصله زمانی چندین ساله، بدون آنکه متوجه باشند مسئولان شهرهای غربی چقدر از توسعه بدون برنامه قبلی شهرهای خود ناراضی اند.

۲. آینده بی صاحب ۱۸: تلاش های درخشان ما آینده را از تملک ما خارج می کند و ما این را نمی فهمیم؛ چون درگیر تمرکز بر برنامه های راهبردی مان هستیم. اما این خود بی صاحب و این آینده رها شده برای شکار کردن ما بازمی گردد. یک مدیر گرفتار، در سال های اوج فعالیت حرفه ای خود بر موفقیت هایش متمرکز است و فقط در سال های پایانی زندگی به یاد فرزندان و نامتعادل بودن کار و زندگی اش می افتد و افسوس می خورد و درصدد برمی آید کمی به زندگی شخصی اش سر و سامان دهد.

۳. آینده های بدیل: ما اغلب تنها یک آینده را می بینیم و از بدیل ها غافل هستیم و به همین دلیل اشتباهات گذشته را به طور مکرر انجام می دهیم. بسیاری از شهروندان بلوک شرق اروپا همچنان در شوک آینده به سر می برند. آنها فقط یک آینده را متصور بودند: آینده سوسیالیستی. وقتی این آینده ناپدید شد، نمی دانستند چه باید کنند. با نگاه کردن به آینده های بدیل، راه های جدیدی را می توان پیدا کرد.

۴. تنظیم ۱۹: باید نگاه مسئله محور روزمره مان را با راهبردهای میان مدت، راهبردهایمان را با تصویر وسیع تری از آینده، تصویر وسیع تر را با بصیرت آینده و نیز بصیرت را با فعالیت های روزمره تنظیم کنیم.

۵. الگوی تغییر اجتماعی ۲۰: آیا گمان می کنید آینده مثبت است و می توان در ایجاد آن مؤثر بود یا غمناک است و کاری از شما ساخته نیست؟ آیا آینده از پیش مقدر شده است یا تکرار تاریخ است؟ آیا آینده نوبتی است و بهترین راهبرد این است که منتظر نوبت شانس خود باشید؟ یا ...

۶. کاربرد آینده ۲۱: اندیشیدن به آینده ممکن است فقط در خدمت تمرین پیش بینی و کمک به افراد و سازمان ها برای مجهز شدن به مهارت ها و توفیق در رقابت ها باشد. در سطحی عمیق تر، سازمان ها و افراد می توانند با فهم آینده های بدیل، دست دوم و بی صاحب بسیار نوآورتر شوند. در سطحی باز هم عمیق تر، آینده اندیشی می تواند ظرفیت های جدیدی ایجاد کند و شهامت ما را برای ساختن آینده های مطلوبمان افزایش دهد. روش های آینده، دنیای مطلوب ما را دگرگون می کند، و مفاهیم بنیادی ما را به چالش می کشد. سطح عمیق تر بعدی ظهور است. آینده اندیشی امکان تغییر پارادایم را فراهم می کند.

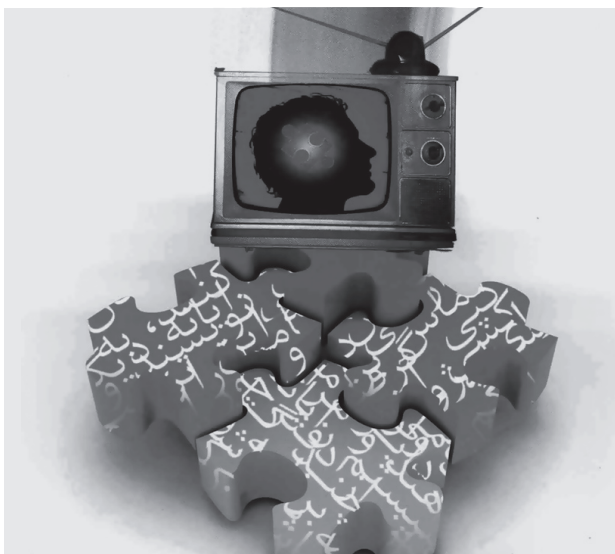
و اما شش پرسش مهم درباره آینده:

۱. فکر می کنید آینده چه شکلی است؟ پیش بینی شما از آینده چیست؟ پیشرفت و ثروت هر چه بیشتر؟ یک انقلاب فناورانه دیگر؟ فاجعه زیست محیطی؟ چرا؟

۲. از کدام آینده هراس دارید؟ خشونت های ناگهانی غیر قابل پیش بینی؟ فکر می کنید می توانید این آینده هراسناک را به آینده ای مطلوب تبدیل کنید؟ چرا؟

۳. مفروضات پنهان آینده پیش بینی شده از سوی شما چه هستند؟ آیا مفروضات دارید (درباره جنسیت، یا طبیعت یا فناوری یا فرهنگ یا هر چیز دیگری)؟

اندیشیدن به  
آینده ممکن  
است فقط در  
خدمت تمرین  
پیش بینی و  
کمک به افراد و  
سازمان ها برای  
مجهز شدن  
به مهارت ها و  
توفیق در  
رقابت ها باشد.  
در سطحی  
عمیق تر،  
سازمان ها  
و افراد  
می توانند با فهم  
آینده های بدیل،  
دست دوم و  
بی صاحب  
بسیار نوآورتر  
شوند



همه رویکرد های موجود آینده پژوهی، جامع نگر یا به عبارت دقیق تر، نظام مند هستند؛ یعنی نگاهشان معطوف به یک نظام مرکب یا همان اجتماع انسانی است که در پی کشف آینده دور آند و خود از سوی یک محیط مرکب احاطه شده است.

۴. بدیل های آینده پیش بینی شده یا هراسناک شما کدامند؟ اگر بعضی مفروضات خود را تغییر دهید، کدام بدیل ها ظهور می کنند؟

۵. آینده مطلوب شما چیست؟ دوست دارید کدام آینده برای شما یا سازمانتان به واقعیت درآید؟

۶. و بالاخره، چطور می توانید به آنجا برسید؟ برداشتن چه گام هایی برای حرکت به سمت آینده مطلوب شما لازم است؟

بنابراین پرسش های آینده در این کلمات خلاصه می شود: آینده پیش بینی شده، هراس، مفروضات پنهان، آینده های بدیل، آینده مطلوب، و قدم های بعدی. عنایت الله پس از این، شش ستون اصلی آینده پژوهی و روش ها و ابزار هر کدام را به شرح زیر مشخص می کند:

۱. ترسیم ۲۲: ستون اول عبارت است از ترسیم گذشته، حال و آینده. با ترسیم زمان، وضوح اینکه از کجا آمده ایم و به کجا می رویم بیشتر می شود. برای ترسیم از سه ابزار مهم استفاده می شود: تاریخ مشترک ۲۳، مثلث آینده ۲۴، و دورنمای آینده ۲۵.

۲. انتظار ۲۶: دومین ستون آینده اندیشی انتظار است. دو روش مهم و کارآمد در اینجا عبارتند از:

۱. تحلیل موارد نوظهور ۲۷، که می کوشد زنگ خطر را پیش از پرهزینه شدن شناسایی کند. ۲. چرخ آینده ۲۸ که عواقب حاصل از وضعیت امروز را بر آینده دور تعقیب می کند.

۳. زمان بندی آینده ۲۹: یکی از مسائل مهم برای اندیشیدن به آینده ترسیم صورت کلی آن است. آیا آینده ادامه ساده حال و گذشته است یا کاملاً با آنها تفاوت دارد؟ مورخان کلان نگر سال ها با پرسش هایی از این دست کلنجار رفته اند و به جواب های متعددی، نظیر آینده خطی ۳۰، آینده چرخه ای ۳۱، آینده حلزونی ۳۲ و نظایر این ها رسیده اند.

۴. تعمیق آینده ۳۳: روش های مورد استفاده در اینجا عبارتند از، تحلیل لایه ای علی ۳۴ و ترسیم چهار ربع دایره ۳۵. تعمیق آینده؛ یعنی گشودن آینده برای عمیق شدن در آن. این تعمیق چهار بُعد دارد. بعد اول، آینده روزمره است؛ یعنی موضوعات مشترک پذیرفته شده در آینده. بعد دوم، بر موارد و علل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی متمرکز است. بعد سوم، فرهنگ یا جهان بینی است و بعد چهارم، اسطوره یا استعاره است؛ یعنی بعد عمیق و ناخودآگاه آینده.

۵. خلق آینده های بدیل: دو روش مهم برای این ستون به کار می رود. یکی روش چرخ دنده ها و پیچ ها ۳۶ که تحلیل کارکردی- ساختاری سازمان و یافتن راه های مختلفی است برای انجام آنچه باید انجام دهد و دیگری روش آشنای سناریوهاست.

۶. تغییر دادن شکل آینده: در این تغییر شکل، آینده به سمت آینده مرجح تراش می خورد. آینده مطلوب افراد کدام است؟ شهرها در جستجوی کدام آینده هستند؟ آینده مرجح را می توان از طریق سناریوها یا فرایند پرسش خلق کرد. پرسش در این جا به معنی پرسش از افراد درباره یک روز مرجح شان در آینده است. وقتی از خواب بیدار می شوند چه اتفاقی می افتد؟ خانه شان چه شکلی است؟ از کدام انواع فناوری استفاده می کنند؟ با چه کسانی زندگی می کنند؟

طراحی خانه شان چه شکلی است؟ در ساخت خانه‌شان چه مصالحی به کار رفته است؟ آیا سر کار می‌روند؟ کار آنها چه شکلی است؟ چه می‌خورند؟ این قبیل پرسش‌ها افراد را وادار می‌کند که به دنیای مطلوب و مورد علاقه‌شان تفصیلی تر بیندیشند.

### ویژگی های مشابه روش های آینده پژوهی

همه رویکرد های موجود آینده پژوهی، جامع نگر یا به عبارت دقیق تر، نظام مند هستند؛ یعنی نگاهشان معطوف به یک نظام مرکب یا همان اجتماع انسانی است که در پی کشف آینده دور آند و خود از سوی یک محیط مرکب احاطه شده است. بنابراین در تعیین آینده عوامل بسیار زیاد و متنوعی دخیل هستند که در محاسبه، آوردن همه آنها در عمل غیرممکن است. پس همه روش های پژوهش در آینده مستلزم کاربست الگوی ساده شده ای از واقعیت هستند. فارغ از اینکه چه الگویی مورد استفاده قرار گیرد، تمام الگوها و بنابراین تمام روش ها مستلزم گزینش اند؛ گزینش از بین انبوه عوامل مؤثر در تعیین آینده. بنابراین گزینش موجود در تمام روش ها، به همه آنها مؤلفه ای ذهنی می بخشد که همان دخالت ذهن و تفکر انسانی در گزینش برخی عوامل و کنار گذاشتن دیگران است. آلیون سال (سال، ۲۰۰۲: ۱۹) تشابهات روش های آینده پژوهی را چنین برمی شمارد:

- تحلیل گذشته و حال: نخستین جنبه مهم این است که آینده متکی است بر آنچه مردم هستند و آنچه که تاریخ از آنها ساخته است، زیرا آنچه مردم امروز هستند، ریشه در گذشته آنها دارد. اغلب رویکردهای آینده پژوهی، البته با درجات مختلف، آینده را نه تنها وابسته به سرمایه فیزیکی و دانش انباشته شده از سوی مردم، بلکه وابسته به فرهنگ آنها می‌دانند؛ اینکه چطور جامعه شان را سازمان می‌دهند و اینکه چطور با هم روابط متقابل دارند.

- در نظر گرفتن نقشه های افراد ذی‌نفع: جنبه دوم این است که آینده ای که مردم می‌سازند وابسته به نقشه هایی است که امروز به طور صریح یا ضمنی می‌کشند. وابسته به بصیرتی است از آینده که آن را می‌پذیرند. بنابراین آینده پژوهی مستلزم ملاحظه نقشه یا نقشه هایی از آینده است که افراد ذی‌نفع گوناگون ترسیم کرده اند.
- در نظر گرفتن تغییرات محیطی: جنبه سومی نیز باید مورد ملاحظه قرار گیرد. مردم همواره در محاصره یک محیط هستند؛ یعنی عواملی وجود دارند که نه مربوط به گذشته آن اجتماع است و نه بصیرت آن درباره آینده. این عوامل خارجی و رای کنترل اجتماعند. اینها عبارتند از عوامل طبیعی (مثل آب و هوا) و عواملی که از سوی برخی از دیگر اجتماعات انسانی (مثل راهبردهای تولیدکنندگان رقیب در دیگر اجتماعات، یا تقاضای مصرف‌کنندگان برای صادرات) یا حتی از سوی همه اجتماعات انسانی (مثل پیشرفت های فناورانه) تعیین می‌شوند
- بنابراین همه روش ها و رویکردهای آینده پژوهی، برای حدس آینده های ممکن باید سه چیز را در نظر گیرند: تحلیل گذشته و حال، نقشه های افراد ذی‌نفع و تغییرات محیطی.

### تمایزات روش های آینده پژوهی

روش های آینده پژوهی در عین تشابهاتی چند، تنوع زیادی دارند. بدون آنکه بخواهیم بیش از حد به این تنوعات پردازیم، دو عامل اصلی در تقسیم بندی این روش ها به چند مقوله اصلی را برمی شماریم. عامل نخست، میزان صوری ۳۷ بودن این روش هاست. برخی رویکردها عوامل تعیین کننده را انتخاب و مفروضاتی را درباره برخی از آنها اتخاذ می‌کنند، سپس بدون استفاده از هیچ گونه روش شناسی صوری، به تولید سناریوهای بدیل می‌پردازند. در مقابل، روش های دیگری هستند که از فرمول های ریاضی متنوع با درجات پیچیدگی گوناگون، برای انتخاب مؤثرترین عوامل استفاده میکنند و سپس فرضیاتی برای آنها در نظر می‌گیرند و در نهایت سناریوهایی برای آینده تنظیم می‌کنند. عامل تمایز دوم و مهم تر، میزان تأکید بر یک روش خاص در به کار بردن تحلیل از گذشته و بصیرت شان به آینده است. بر این اساس فیلپ هوگون و اولیویر سودری (منقول در سال، ۲۰۰۲: ۲۱) طبقه بندی زیر را پیشنهاد کردند:

- روش های سناریو؛ آینده های ممکن را توصیف می‌کنند که خود حاصل تغییرات بلند مدت در عوامل کلیدی اند.

- روش های پیش بین؛ مبتنی بر ساخت الگو های صوری برای توصیف رفتار افراد ذی‌نفع مختلف هستند.
- روش های مبتنی بر دید خطی از تاریخ که همان روندهای عظیم تاریخی است و لزوماً مستمر هم نیستند.
- روش های مبتنی بر ردگیری پیوند مشترک نیروهای محرک ۳۸؛ که آینده های ممکن را تعیین می‌کنند.

این تقسیم بندی بر این اساس است که روش های موجود در سه دسته نخست، وزن بیشتری برای گذشته برای تعیین آینده های ممکن قائلند، ولی روش های موجود در دسته چهارم، بصیرت های مردم به آینده را مهم ترین عامل تعیین آینده های ممکن می‌دانند.

همان  
که از  
عنوان  
فن مشاهده  
مشارکتی  
بر می آید،  
مشاهده گر،  
خود در جریان  
رویدادهای  
اجتماعی  
مورد مطالعه  
مشارکت دارد



اگر چه تقسیم بندی عنایت الله و هوگون و سودیر از روش های آینده پژوهی، دسته بندی های معتبر و قابل اعتنایی هستند و اگر چه دسته بندی های معتبر دیگری هم وجود دارد، بهتر دیدیم برای پیشبرد مقصودمان که توصیف روش های مبنایی آینده پژوهی است، بر روش هایی تمرکز کنیم که به عنوان روش های مرسوم آینده پژوهی جا باز کرده اند. قسمت های بعدی این نوشته به توصیف روش های سناریو، دلفی و تحلیل لایه لایه ای علت ها می پردازد که مهم ترین روش های جاری آینده پژوهی هستند و در نهایت یک جمع بندی درباره نحوه انتخاب روش ها و همین طور بنیان های فکری این رشته ارائه می دهد.

- |                                       |                              |
|---------------------------------------|------------------------------|
| 1- FUTURE'S STUDIES                   | 20- MODEL OF SOCIAL CHANGE   |
| 2 - POSITIVISM                        | 21- THE USE OF THE FUTURE    |
| 3- POSSIBLE                           | 22- MAPPING                  |
| 4- PROBABLE                           | 23- SHARED HISTORY           |
| 5- PREFERABLE                         | 24- FUTURE'S TRIANGLE        |
| 6- STRATEGIES                         | 25- FUTURES LANDSCAPE        |
| 7- WORLD PROBLEMATIQUE                | 26- ANTICIPATION             |
| 8- STRATEGIC PLANNING                 | 27- EMERGING ISSUES ANALYSIS |
| 9- WORLD FUTURE SOCIETY               | 28- FUTURE'S WHEEL           |
| 10- WORLD FUTURE'S STUDIES FEDERATION | 29- TIMING THE FUTURE        |
| 11- THINK-TANK                        | 30- LINEAR FUTURE'S          |
| 12- TRENDS                            | 31- CYCLICAL FUTURE'S        |
| 13- ALTERNATIVE FUTURES               | 32- SPIRAL FUTURE'S          |
| 14- DESIRABLE FUTURES                 | 33- DEEPENING THE FUTURE     |
| 15- FUTURISTS                         | 34- CAUSAL LAYERED ANALYSIS  |
| 16- SCENARIO PLANNING                 | 35- FOUR-QUADRANT MAPPING    |
| 17- USED FUTURE                       | 36- NUTS AND BOLTS           |
| 18- DISOWNED FUTURE                   | 37- FORMAL                   |
| 19- ALIGNMENT                         | 38- DRIVING FORCE            |

## منابع

1. Milojevic, Ivana (2002), "Futures of Education: Feminist and Post-Western Critiques and Visions", PhD Thesis, School of Education, The University of Queensland, Australia.
2. Anthony, Marcus (2009), "Futures Research at the Frontiers of Mind", Journal of Foresight, Vol. 11, NO. 1
3. Inayatullah, Sohail (2008), "Six Pillars: Futures Thinking for Transforming", Journal of foresight, Vol. 10, NO. 1.
4. Sall, Alioune (2002), A Guide to Conducting Future's Studies in Africa, African Futures and Phyllos IPE, available at [www.africanfutures.net](http://www.africanfutures.net)